

«روان‌شناسی و یادگیری زبان»

مؤلف: آلکسی لئونتیف

مترجم: امیر فرهنگ‌پور

ناشر: مرکز نشر دانشگاهی

سال نشر: ۱۳۷۴

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۱۳۴

- کتاب روان‌شناسی و یادگیری زبان می‌تواند به عنوان منبع فرعی برای دروس ۱- روان‌شناسی زبان (درس اصلی و تخصصی رشته زبان‌شناسی)، ۲- روان‌شناسی حافظه (درس اصلی و تخصصی رشته روان‌شناسی مقطع کارشناسی)، ۳- روان‌شناسی تربیتی (درس اصلی و تخصصی رشته روان‌شناسی مقطع کارشناسی)، ۴- روان‌شناسی یادگیری: نظریه‌ها (درس اصلی و تخصصی رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد) مورد استفاده قرار گیرد.
- یکی از علومی که ارتباط زیادی با یادگیری به طور عام و یادگیری زبان به طور خاص دارد، علم روان‌شناسی است. مباحثی که در این علم مطرح می‌شود از جمله ماهیت ذهن، ارتباط زبان و اندیشه، کارکرد حافظه و غیره - کمک فراوانی به یادگیری زبان و بهبود روش‌های زبان‌آموزی می‌کند. از این رو کتاب «روان‌شناسی و یادگیری زبان» موضوع خوبی را برای این کار انتخاب کرده است.
- یکی از فصل‌های جذاب و مفید کتاب فصل چهارم یعنی «ادراک گفتار و روان‌شناسی زبان» است که با طرح مسائلی همچون «ادراک بصری» و «مسائل

۲۰۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

تجسمی» تناسب منطقی خوبی با هدف کتاب برقرار می‌کند. یکی دیگر از فصل‌های مفید کتاب فصل ششم با عنوان «حافظه و یادگیری زبان خارجی» است. کتاب‌های روان‌شناسی یادگیری عموماً به نقش حافظه در یادگیری زبان به طور عام می‌پردازند و به نقش حافظه در یادگیری زبان خارجی یا زبان دوم چندان توجه نمی‌کنند. اما این کتاب ارتباط حافظه را با اجزای زبان همچون شیوه یادگیری واژگان خارجی و دستور زبان خارجی توصیف می‌کند.

- ارجاع‌دهی و استفاده از منابع به خوبی در این کتاب صورت گرفته است. هر جا که نویسنده موضوع یا مطلبی را از دیگران نقل می‌کند، منبع آن را نیز ذکر می‌کند اما بعضی از منابع قدیمی است.

- این کتاب برای پژوهشگرانی مناسب است که قصد دارند در زمینه روان‌شناسی و ارتباط آن با یادگیری زبان کار کنند و فاقد جنبه‌های عملی و کاربردی برای معلمان است. از این رو یک کتاب صرفاً نظری می‌باشد. زبان ثقیل کتاب نیز نشانگر غیر کاربردی بودن آن است. البته این سبک زبانی ثقیل کتاب می‌تواند به مترجم نیز مربوط باشد.

- تمرکز کتاب روی روان‌شناسی روسی است و به کتاب‌های روسی برای خارجیان توجه دارد. بعضی از مثال‌های کتاب به زبان روسی مربوط می‌شوند از جمله مثال‌های مندرج در صفحه ۴۶ و کتاب‌های آموزشی که برای یادگیری زبان خارجی معرفی شده‌اند نیز از کتاب‌های روسی هستند (ص. ۱۰۲). این ایراد نه تنها کاربردی بودن کتاب را برای مخاطبان ایرانی از بین می‌برد - البته اگر بتوان این کتاب را کاربردی تلقی کرد - بلکه ارزش علمی آن را به عنوان یک منبع تحقیقی بی‌طرف زیر سوال می‌برد.

- نویسنده در ترتیب فصل‌های کتاب خوب عمل نکرده است. موضوع فصل هشتم (حافظه و یادگیری زبان خارجی) باید قبل از فصل پنجم که عنوان و موضوع آن «کنترل و یادگیری زبان خارجی» است قرار گیرد. فصل هفتم کتاب سه بخش

روان‌شناسی و یادگیری زبان ۲۰۹

دارد. به نظر می‌رسد که بخش دوم آن (اندیشه چیست؟) از لحاظ موضوعی باید قبل از بخش اول (مساله فعال کردن فرایندهای فکری شاگرد) قرار گیرد.

- نویسنده در صفحه ۸ می‌گوید: «پدیده‌های روانی بازتاب ذهنی واقعیت‌های عینی هستند». این جمله تأثیر مسائل عینی بر مسائل ذهنی را نشان می‌دهد و از این رهگذر اولویت را به مسائل عینی می‌دهد، اما آیا واقعاً این گونه است؟ آیا مسائل عینی بر مسائل ذهنی تأثیر می‌گذارند یا برعکس است؟ یا اصلاً این رابطه دو طرفه است؟ این در حالی است که نویسنده در چند سطر بعد، این رابطه را بدون هیچ‌گونه دلیلی دوطرفه و «متقابل» معرفی می‌کند: «... زیرا هر حیوانی به طور کلی با محیط و دنیای عینی روابط مستقیم و بی‌واسطه برقرار می‌کند» صفحه ۹.
- در صفحه ۱۰، به جای «پیشرفت تاریخی ذهن» بهتر است گفته شود، «پیشرفت ذهن در طول زمان». از طرف دیگر، موضوع پاراگراف ظاهراً ارتباطی با پیشرفت ذهن ندارد.
- در صفحه ۱۱، عنوان «هدف روان‌شناسی» به درستی انتخاب نشده است. این پاراگراف در واقع تعریف روان‌شناسی و شاخه‌های آن است نه هدف روان‌شناسی.
- به نظر می‌رسد موضوع فصل دوم یعنی روان‌شناسی شخصیت، ارتباط زیاد و تأثیرگذاری با موضوع کتاب یعنی یادگیری زبان خارجی ندارد. زبان یک مهارت است و هر انسانی فارغ از هرگونه ویژگی‌های شخصیتی خاص می‌تواند آن را فرا گیرد یا یاد گیرد. عواملی که بر یادگیری زبان خارجی تأثیر می‌گذارند به علاقه، انگیزه، روش‌های آموزشی و محیطی که فرد در آن قرار می‌گیرد وابسته است نه به شخصیت.
- یکی از ایرادهای کتاب آن است که خیلی از اصطلاحات و مفاهیم را تعریف نمی‌کند، به خصوص اصطلاحاتی که به طور مکرر از آن‌ها استفاده می‌کند از جمله فعالیت گفتاری، کنش گفتاری، کردار گفتاری. با ارائه تعریف است که می‌توان به تفاوت این‌گونه اصطلاحات پی برد. نویسنده در صفحه ۴۰ از «یادگیری برنامه‌ای»

۲۱۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

صحبت می‌کند اما تعریفی از آن ارائه نمی‌دهد. تعریف موجب تسهیل در فهم موضوع می‌شود و تکلیف را بر خواننده مشخص می‌سازد.

- اشکال دیگر کتاب به فصل هشتم یعنی «فرایندهای هیجانی و ارادی در یادگیری زبان خارجی» مربوط می‌شود. عاطفه، هیجان و احساس خیلی در یادگیری نقش دارند اما خاص یادگیری زبان خارجی نمی‌باشد.

- فصل آخر کتاب، «روان‌شناسی ادراک فیلم» بدون این‌که با عنوان و هدف کتاب ارتباط داشته باشد به موضوع فیلم و هنر و سینما پرداخته است. این نکته را می‌دانیم که تماشای فیلم‌های زبان اصلی خیلی در امر یادگیری زبان خارجی نقش دارد اما فصل مذکور به این جنبه آموزشی نپرداخته است و فقط به جنبه‌های هنری و فلسفی و در بعضی موارد به جنبه‌های ادراکی آن پرداخته است، البته بدون توجه به یادگیری زبان خارجی.

- مترجم کتاب در ترجمه اصطلاحات خوب عمل کرده است اما بعضی از معادل‌ها همچون «فرع بر» (صفحه ۴۶) یا ترکیب «فروکاستن مباحث روان‌شناسی»، یا «پیروی از مد ...» چندان خوب عمل نکرده است.

- مترجم در ترجمه عنوان کتاب واژه "PROCESS" را حذف کرده است. عنوان کتاب باید «روان‌شناسی و فرایند یادگیری زبان» باشد زیرا مولف به فرایند یادگیری زبان که با روان‌شناسی ارتباط دارد توجه دارد و هدف او صرفاً یادگیری زبان به عنوان یک محصول "PRODUCT" نمی‌باشد.

- در صفحه ۶ مترجم از ترکیب «معلم خارجی» استفاده کرده است در حالی که منظور مولف «معلم زبان خارجی» است و بین این دو تفاوت وجود دارد. معلم خارجی فردی است که به یک کشور و ملیت دیگر تعلق دارد اما معلم زبان خارجی کسی است که یک زبان خارجی را تدریس می‌کند فارغ از ملیت وی.

- بعضی از رسم‌الخط‌های کتاب امروزه دیگر مرسوم نیست از جمله افزودن «ی» به کلمات مختوم به «ی»، همچون (روان‌شناسی که) در صفحه ۷ یا (روابط اجتماعی) در صفحه ۱۴.

روانشناسی و یادگیری زبان ۲۱۱

- در طراحی کتاب، فصل‌ها و بخش‌ها از صفحه فرد شروع می‌شود اما کتاب مذکور، فصل‌ها را با صفحه زوج شروع کرده است از جمله صفحه ۶، ۱۲، ۲۰.
- اثر نیازمند ویراستاری ادبی است. به این جمله توجه کنید:
 - صفحه ۴۲ سطر ۱۱: «... زیرا ذکر تجربه فردی به مثابه هدف یا محتوای حافظه کافی نیست»
 - صفحه ۴۲ سطر ۱۹: «... در واقع همه سازه‌ها (عوامل و شرایط) هر فعالیتی را شامل می‌شود که ...»
- در مجموع متن ثقیل است و نیاز به روان‌سازی دارد. البته نگاشته‌های لئونتیف معمولاً سنگین است.
- از نظر رعایت قواعد ویرایشی متن وضعیت مطلوبی دارد.
- روی جلد اساساً طرحی ندارد ولی کیفیت چاپ و حروف‌نگاری نسبتاً خوب است.
- به نظر می‌رسد به تنهایی نمی‌تواند منبع کاملی باشد چرا که فقط یک رویکرد را از منظر تاریخی و فرهنگی دنبال کرده است. تعداد صفحات اثر نیز برای یک درس به نسبت کم است.
- در مجموع سعی شده است در معادل‌های معمول در حوزه روان‌شناسی زبان و شناخت استفاده شود. اگر چه در بعضی موارد نیاز به تجدید نظر دارد مثلاً:
 - برای “reproduction” «یادآوری» به عنوان معادل انتخاب شده است، در حالی که معادل درست «بازتولید» است.
 - برای واژه “visualization” «تجسم» گفته شده که درست‌تر «بصری‌سازی» است. تجسم معادل “imagination” است.
- در برخی قسمت‌ها، مترجم نتوانسته است برای یک اصطلاح تخصصی یک معادل واحد انتخاب کند. مثلاً:
 - برای “detectology” از نقص‌شناسی و کاستارشناسی استفاده کرده است.
 - در جای دیگر برای “operation” از دو معادل «کردار» (در صفحه ۱۳۱ و در صفحه ۷ فصل چهارده) و «عملکرد» در صفحه ۹ استفاده شده است.

۲۱۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- در صفحه ۸ سطر ۲۲ به جای «تکانه» از واژه غیر معمول «رانه» استفاده شده است.
- از ابزارهایی نظیر (طرح بحث مقدماتی، جمع‌بندی نهایی، تمرین و آزمون، نمودار، جدول، آمار، مقایسه، تصویر و نقشه و ...) تقریباً هیچ استفاده‌ای نشده است. شاید مولف سعی در تألیف یک کتاب بنیادی و پایه داشته است و آن را به صورت کتاب درسی تنظیم نکرده است.
- نگاه مولف به مطالب نگاه گزینشی است. چرا که سعی کرده است برای تبیین دیدگاه خود به مباحثی که بیشتر قابل دفاع هستند اشاره کند. از این رو یک کتاب جامع دانشگاهی در حوزه زبان و روان‌شناسی آموزش زبان نیست. از این کتاب می‌توان فقط در بحث آموزش زبان دوم بیشتر استفاده کرد.
- نکته مهم در مورد اصل کتاب این است که مطالب کتاب مبتنی بر یادگیری زبان دوم است نه «زبان به ما هو زبان». از این جهت فرایند تکامل ذهن در یادگیری این نوع زبان نقش جدی ندارد. پیشنهاد بنده برای عنوان کتاب «روان‌شناسی و یادگیری زبان دیگر» است. این عنوان پیشنهادی بیشتر با محتوا منطبق است.
- مباحث کتاب انطباق صد در صدی با سرفصل‌ها ندارد به چند دلیل:
 - کتاب ترجمه است نه تألیف
 - نویسنده بیشتر سعی در موجه جلوه دادن دیدگاه تئوریک خود داشته نه تدوین یک کتاب
 - نویسنده کتاب روسی است و آگاهی صد در صد از پیشرفت‌های علمی در حوزه روان‌شناسی زبان نداشته است.
- در حال حاضر این اثر نمی‌تواند به عنوان کتاب درسی مطرح شود چرا که مطالب و یافته‌های آن قدیمی به نظر می‌رسد ولی می‌تواند به عنوان یک منبع مفید برای محققان حوزه روان‌شناسی زبان و یادگیری به کار آید.
- اثر قدیمی و مربوط به حدود ۳۰ سال پیش است.

روانشناسی و یادگیری زبان ۲۱۳

- بیشتر به عنوان یک کتاب تاریخی و مرجع می‌توان به آن نگاه کرد چرا که توسط پسر یکی از بزرگان روان‌شناسی (لئونتیف) در روسیه نگاشته شده است.
- مولف سعی کرده است از دیدگاه خود به مولفه‌هایی بپردازد که فکر می‌کرده که در یادگیری زبان خارجی نقش دارند. انسجام مطالب هر فصل خوب است و مباحث منطقی جلو رفته است.
- در موارد بسیار زیادی اثری از ارجاع درون متنی به چشم نمی‌خورد. بیشتر تحلیل‌ها از آن خود نویسنده است. اگر چه در ارتباط با موضوعاتی که در این کتاب مطرح شده در حال حاضر انبوهی از منابع موجود است، شاید در زمان تالیف این اثر این اندازه پیشرفت علمی مطرح نبوده است مثلاً در این کتاب فصلی به «حافظه» اختصاص داده شده است که در حال حاضر مطالعات مربوط به حافظه متحول شده است.
- در این اثر به کرات از منابعی استفاده شده است که مأخذ آن ذکر نشده است. به طور کلی ارجاع درون متنی کم به چشم می‌خورد. میزان دقت در استنادات و ارجاعات ضعیف است.
- رویکرد کتاب تاریخی-فرهنگی است و مولف سعی کرده است از این دیدگاه به تبیین عوامل موثر بر یادگیری و به ویژه یادگیری زبان بپردازد.
- اثر با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی مغایرتی ندارد و بعد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مخرب در آن دیده نمی‌شود.
- ترجمه نیاز به ویرایش دارد. جملات ثقیل زیادی به چشم می‌خورد، مثلاً:
 - صفحه ۱۰۲ سطر ۷، صفحه ۱۰۳ سطر ۶.
 - صفحه ۱۰۴ سطر ۱۶ و ۱۷: «دومین تحلیل مربوط می‌شود به معنی‌رسانی که به هنگام بدان خواهیم پرداخت. این مسأله به‌خودی‌خود کلیت بیشتری دارد ...»
- تنها در موارد اندکی به توضیح در پاورقی توسط مترجم برخورد می‌کنیم مثلاً در صفحه ۶۰.

۲۱۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

پیشنهادهای:

- ۱- ویراستاری ادبی جهت روان‌سازی متن
- ۲- تهیه نسخه جدید کتاب (متن اصلی) و بررسی تغییرات آن
- ۳- بهره‌گیری از اصطلاحات و معادل‌های دقیق‌تر و مرسوم
- ۴- استفاده از کتاب به عنوان یک منبع جانبی در حوزه روان‌شناسی زبان، روان‌شناسی آموزش، تاریخچه و مکاتب روان‌شناسی، روان‌شناسی یادگیری.
- ۵- استفاده از عنوان دقیق‌تر برای کتاب، مثلاً «روان‌شناسی و فرایند یادگیری زبان دیگر (با رویکرد تاریخی-فرهنگی)»
- ۶- استفاده از طرح جلد متناسب با اهداف و محتوای اثر
- ۷- استفاده و بهره‌گیری مترجم از تحشیه و توضیح و پاورقی برای شفاف‌سازی ذهن خواننده در مواردی که نیاز به توضیح هست.
- ۸- مقدمه نگاشته شده توسط آقای دکتر قاسم‌زاده در ابتدای کتاب به تحلیل دیدگاه نویسنده کمک کرده است. این کتاب به این روشنگری‌ها نیاز بیشتری دارد.